

## واکاوی جریان اخيگري در دوره عثماني

معصومه در سار<sup>۱</sup>

دکتر محبوب مهدويان<sup>۲</sup>

### چکیده

اخيگري يکي از نهادهاي مهم و تاثيرگذار در تاريخ امپراتوري عثماني بود که ريشه در آداب و اصول فتوت داشت و بر اساس سنتهاي تصوف فعاليت مي‌کرد. تشکيلات اخيگري پس از پايه‌گذاري در قلمرو عثماني، بخصوص در دوره اوليه حکومت عثماني در آناتولي گسترش بسياري يافت و در بين طبقه اصناف از جايگاه خاصي برخوردار شد و قوت گرفت و توانست مدتها در تحولات سياسي و اجتماعي دوره عثماني نقش پررنگي ايفا کند. خواست بنيادي پژوهش حاضر، بررسي چگونگي شکلگيري و گسترش تشکيلات اخيگري در دوره عثماني، رويکردها و فعاليتهاي سياسي، اجتماعي، فرهنگي و مذهبي آنها و همچنين مناسبات آنها با طبقات اصناف مي‌باشد. روش تحقيق در اين پژوهش روش توصيفي-تحليلي و شيوه گردآوري اطلاعات نيز کتابخانه‌اي است.

نتايج و دستاوردهاي اين پژوهش نشان مي‌دهد که از زمان تاسيس دولت عثماني ميان اين دولت و تشکيلات اخيها مناسباتي وجود داشته است و اخيهاي بزرگي همچون شيخ ادبالي، اخي حسن، اخي يعقوب و چندرلي قرهخليل با نفوذ در دستگاه حکومتي عثماني و شرکت در جنگها خدمات ارزنده‌اي به دولت عثماني کرده و باعث حمايت حکمرانان عثماني از اخيها گشت. با گسترش تشکيلات اخيگري اصول و عقايد اخيها در سراسر قلمرو عثماني انتشار يافت. اما به تدريج با افزايش قدرت مرکزي حکومت عثماني، ظهور سپاه يني‌چري و قدرتگيري طريقت بکتاشيه، جايگاه سياسي و نظامي اخيها تضعيف شد و رو به زوال رفت.

واژگان کلیدی: اخيگري، عثماني، فتوت، تصوف، اصناف، سياسي، اجتماعي

### مقدمه

اخيگري يکي از فعال‌ترين گروههاي اجتماعي و سياسي در دوره عثماني بود که اساس آن مبتني بر اصول و قواعد تصوف بود. سازمان اخيگري سلسله مراتبي از فتوت محسوب مي‌شد که با تکیه بر رسومات قهرماني، در روي کار آمدن امپراتوري عثماني نقش بسزايي را بر عهده داشت. اخيها با سازماندهي تشکيلات خود و ترويج اعتقادانشان در بين مردم و حکمرانان عثماني توانستند در سرزمين آناتولي گسترش يابند و عهده‌دار مسوليتهاي اجتماعي و سياسي بسياري گردند. آنان در بين اصناف نفوذ بسياري کردند به گونه‌اي که مهمترين عنصر تشکيلات اصناف نيز اخيها بودند که در سازمان دادن امور اصناف اساسي‌ترين نقش را ايفا مي‌کردند. اخيها در دوره عثماني و بخصوص در

<sup>۱</sup> - گروه تاريخ و تمدن ملل اسلامي، واحد خوي، دانشگاه آزاد اسلامي، خوي، ايران.  
masumehdorsar@yahoo.com

<sup>۲</sup> - گروه تاريخ و تمدن ملل اسلامي، واحد خوي، دانشگاه آزاد اسلامي، خوي، ايران. نويسنده مسؤل.  
dr.m.mahdavian@gmail.com

دوره اول حکومت عثمانی صاحب چنان قدرتی شدند که در دستگاه حکومتی و لشکری عثمانی راه یافته و مورد حمایت و حراست حکمرانان عثمانی قرار گرفتند و بدین ترتیب با ارتقا جایگاه سیاسی و اجتماعی، مورد قبول عامه قرار گرفته و تشکیلات اخگیری توانست مدتها موجودیت خود را در قلمرو عثمانی حفظ کند.

در مورد اخیها و اصول اعتقادی آنان کتابها و مقالات متعددی به نگارش درآمده است، اما به صورت منسجم در خصوص زمینه‌های پیدایش این جریان در آسیای صغیر و مناسبات آنان با دولت عثمانی و نیز ارتباط آنان با اصناف مطالعات و تحقیقات تخصصی آنچنانی صورت نگرفته و توجه جدی نشده است. از مهمترین مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در خصوص سازمان اخگیری و عقاید و آداب و رسوم آنان می‌توان موارد ذیل را بیان نمود:

منابع فارسی: صوفیان نخستین در ادبیات ترک از محمدفواد کوپریلی، امپراتوری عصر متقدم ۱۳۰۰-۱۶۰۰ از خلیل اینالچق.

منابع ترکی: ahilik ve esnaf ahlaki از yusuf ekinci، bir turk kurumu olan ahilikte، mikail bayram از ahi evren ve ahi teskilatinin kurulusu، neset cagatay از ahlak ve meslek egitimi، kadir ozkose.

منابع ذکر شده مطالعات و تحقیقاتی تخصصی هستند که اغلب با نگاهی علمی نسبت به اخیها و آداب و سنن آنها سخن گفته‌اند. مطالعات و تحقیقات دیگری هم مرتبط با اخگیری صورت گرفته است که هر چند مطالعاتی تخصصی درباره اخیها محسوب نمی‌شوند، اما دربردارنده بررسی‌ها و تحلیل‌های مفیدی در خصوص سازمان اخگیری هستند. نظیر:

منابع فارسی: مولویه پس از مولانا از عبدالباقی گولپینارلی، تاریخ عثمانی از اسماعیل حقی اوزون چارشلی، قرون عثمانی از لرد کین راس، تاریخ امپراتوری عثمانی از محمدتقی امامی خوئی.

منابع ترکی: osmanli devletinin kurulusu از fuad koprulu، osmanli devletinin kurulmasi، anadolu beylikleri hakkında arastirmalar از halil inalçik، kurulusu problemi از yasar yucel.

به دلیل اهمیت سازمان اخیها و عدم توجه کافی به واکاوی جریان اخگیری در دوره عثمانی و مناسبات اخیها با دولت عثمانی، پژوهش در این زمینه اهمیت دو چندانی پیدا می‌کند. مقاله حاضر در تلاش است به واکاوی جریان اخگیری در دوره عثمانی بپردازد و به سئوالات ذیل پاسخ دهد. آداب و رسوم تشکیلات اخگیری به چه صورت بوده است؟ نقش اخیها در شکلگیری امیرنشین عثمانی به چه صورت بوده است؟ روند جریان اخگیری در دوره عثمانی به چه صورت بوده است؟ فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اخیها در دوره عثمانی به چه صورت بوده است؟ مناسبات اخیها با حکمرانان عثمانی، طبقات اجتماعی و اصناف به چه صورت بوده است؟

**اخگیری: معانی، مفاهیم**

اخی کلمه‌ای عربی و به معنای برادری، دوستی و رفاقت است (شکر، ۱۳۸۵: ۱۴۴). اخیها ریشه سلسله خود را به حضرت محمد (ص) می‌رسانند (ریاض، ۱۳۸۲: ۹۱؛ کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۰). در قرآن کریم در این باره آمده است: «انما المومنون اخوه» (حجرات: آیه ۱۰). اخی در قلمرو عثمانی به ویژه در آناتولی، با الهام از جمله «انما المومنون اخوه»، به شیوخ و روسای اهل فتوت که متشکل از طبقات اصناف بود، اطلاق می‌شد (کیانی، ۱۳۶۹: ۴۸۲؛ مخبر دزفولی، ۱۳۸۹: ۶۰). سفرنامه ابن بطوطه که از منابع معتبر درباره اخیها و آداب آنهاست، در شرح اخی می‌گوید: «در اصطلاح رئیس جوانمردان را اخی گویند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/۳۴۷). بدین ترتیب درجه‌ای از سلسله مراتب سازمان و تشکیلات خاص فتوت که ماهیت مذهبی-اجتماعی داشت، اخیگری قلمداد می‌شد (اینالچق، ۱۳۹۴: ۲۵۲؛ رضوی، ۱۳۹۵: ۶۸). در تشکیلات اخیها و قدرت سیاسی حامیان آنها، تشکیلات فتوت سیاسی و سازماندهی شده خلیفه الناصر عباسی نیز نقش موثری را ایفا کرده است (kayaoglu, 1981: xxv/ 222-225؛ زرین‌کوب، ۱۳۶۷: ۳۵۶).

### اصول و مبانی اخلاقی اخیها:

سازمان اخیگری رسومی کاملاً دینی داشته و از دامن وحی و نبوت برخاسته بود (محمدی و ایقانی، ۱۳۸۴: ۱۵۸). آنان اساس طریقت خود بر محور تصوف قرار داده (سامی، ۱۳۰۶: ۸۰۶/۲) و سعی داشتند اصول تصوف و عرفان را در میان مردم متداول کنند و با پالایش اخلاق و استوار داشتن بنیادهای راستی و دوستی بین خود، از آن بهره بردارند (فرهانی منفرد، ۱۳۷۷: ۳۷). اخیها در رفتار پرهیزگاران‌شان به مجموعه‌ای از قوانین شرعی اسلامی متعهد بودند (کین راس، ۱۳۷۳: ۲۷). آنان با بدی کردن مخالف بودند و در این راستا با تلاش برای از بین بردن بدیها، به برقراری آرامش و امنیت در جامعه که از اهداف مهم آنها بود، کمک می‌کردند. آنچه آنان را الزام به این کار می‌کرد، چیزی غیر از درک دینی و اخلاقی آنان نبود (tekin, 2006: 221؛ tezcan, 1989: 7). در واقع اخیها با تکیه بر اصول فتوت و تصوف و با شجاعت تمام، برای تامین عدالت اجتماعی و اقتصادی فعالیت می‌کردند (امامی خویی، ۱۳۹۲: ۲۲۴). اخیها به حیات توأم با صلح و دوستی نیز تاکید داشتند به گونه‌ای که در دوره عثمانی تشکیلات اخیگری، برای استقرار حیات فردی و اجتماعی صلح‌آمیز، در تلاش بودند تا جوانان را از عادات اشتباه و زیان‌آور به دور نگه داشته و این وظیفه را به عنوان جزئی از وظایف خود متعهد شده بودند. اخیها برای اینکه جوانان در جامعه اشخاص مفید واقع شوند، آنها را به انواع حرفه و شغل گرایش می‌دادند و آنها را افرادی مولد و مسئولیت‌پذیر به بار می‌آوردند. جوانان با اتحاد با اخیها، ارزشهای اخلاقی و دینی را هم آموزش دیده و در کارها مهارت می‌یافتند. آنان با وابستگی به سنتهای دینی و ملی خود، با اجتماع سازگار گشته و از مسائل غیر معقول دوری می‌جستند و در تلاش بودند افرادی هوشیار به بار آیند (inalcik, 1999: 192). به طور کلی می‌توان گفت اخیها همواره در صدد تقویت رفتارهای صوفیانه و رفتارهای مورد پسند در محیط اجتماعی بوده‌اند، تا با ایجاد وحدت میان اخیها و مردم، گامی در جهت عدالت و آرامش و امنیت اجتماعی بردارند.

هر کسی که می‌خواست وارد تشکیلات اخیها گردد، ابتدا بایستی نظامنامه آنها را که موسوم به فتوت-نامه بود می‌پذیرفت که در حکم دستورالعملهای اخلاقی و دینی و موازین لازم برای ورود به مسلک اخیگری بود (عربخانی، ۱۳۹۴: ۱۳۰). بر اساس فتوت‌نامه‌ها مهمترین شروط انتساب به تشکیلات اخیگری اصول زیر بود: اطاعت از اوامر الهی، انتساب سلسله خویش به علی (ع)، داشتن حرفه،

عدم دلبستگی به دنیا، خودخواه نبودن، بخشندگی، درستکاری، امانت، جوانمردی، علم، ادب، حیا، تواضع، امر به معروف، گذشت و هوشیاری (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۳۸؛ عربخانی، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

اخیها خصوصیات اخلاقی جنگجویانه را نیز دارا بودند به گونه‌ای که از اشتیاق نظامی و متعصبانه خاصی در راه دین و جنگ برخوردار بودند. آنان با روحیه دلاورانه‌شان به فرقه‌های شهسواری متداولی شبیه بودند که تعهدات دو جانبه‌ای را هم تحمیل می‌کردند و هم خود می‌پذیرفتند و هم در محل‌هایی گرد هم می‌آمدند که همانند انجمنهای عارفانه اسلامی در روزگاران پیشین بود (کین راس، ۱۳۷۳: ۳۰)، و بدین ترتیب با اتکا به اصول تشکیلات اخیگری، آرا و عقاید خود را نیز اشاعه می‌دادند (کوپرلی، ۱۳۸۵: ۲۶۱). گاهی خوی جنگاوری اخیها آشوبگری و بر هم زدن امنیت در شهرها را در پی داشت که در این مواقع حکومتگران می‌کوشیدند روحیه جنگاوری آنان را مهار کرده و تحت فرمان خود درآورند و از آنان در جنگها و همچنین برای انتظام بخشیدن به شهرها استفاده کنند (افشاری و مداینی، ۱۳۸۱: ۲۰).

اخیها با حفظ اصول اخلاقی فتوت، از راه صنعتگری و کسب و کار در بازار امرار معاش می‌کردند و دارای تشکیلات صنفی گسترده‌ای بودند (اینالچق، ۱۳۹۴: ۲۵۶؛ افشاری، ۱۳۸۴: ۲۶). اتحادیه‌های اخیها بخصوص در دوره‌های اولیه عثمانی در آناتولی، در تمام شهرها و روستاها، حتی بر سر کوهها فعالیت داشتند (tekin, 2006: 221؛ tezcan, 1989: 7). در واقع اخیگری نه فقط یک تشکیلات طریقت و نه فقط یک تشکیلات صنفی بود، بلکه مجموعه‌ای از تمام خصوصیات سازگار این دو تشکیلات بود. چرا که تشکیلات اخیگری از طرفی مردم را به کارهای خوب، راستی و درستی سوق می‌داد که نشان از دارا بودن خصوصیات طریقت بود و از طرفی با مداخله کردن در حیات کاری، ساخت و تولید، باروری، بررسی قیمتها و کنترل کیفیت، خصوصیات تشکیلات اصناف را هم با خود به همراه داشت (demirpolat, akca, 2004: 370). به طور کلی می‌توان گفت بخشی از تشکیلات اخیها بر تصوف دینی و سلسله مراتب فتوت استوار بود و بخشی بر اساس رسومات اخلاقی و قهرمانی شکل گرفته بود و از طرفی نیز این تشکیلات دارای هویتی صنفی بود.

### آداب پوشش اخیها:

اخیها به لباس و سر و وضع ظاهر اهمیت بسیاری می‌دادند. آنان بر خلاف دیگر صوفیان، به جای خرقة شلوار می‌پوشیدند (کوپرلی، ۱۳۸۵: ۲۶۴؛ امامی خویی، ۱۳۹۶: ۴۷). لباس آنان قبای پشمین سفید بود که به قلنسوه معروف بود. آنان شالی به دوش انداخته، کفشی بر پا داشته، خنجری به کمر بسته و کلاه پشمی سفید و منگوله‌داری از جنس فینه نیز بر سر می‌گذاشتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/۳۴۹؛ نفیسی، ۱۳۶۸: ۱۴۷؛ مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۷۴۱). آنها به پاکیزگی اهمیت می‌دادند. لباس ابریشمی نمی‌پوشیدند. انگشتر طلایی استفاده نمی‌کردند. اخیها رنگ زرد و سرخ را زیاد نمی‌پسندیدند و بیشتر از رنگهای سفید، سیاه و سبز استفاده می‌کردند. رنگ سفید در بین اخیهای صاحب قلم و حافظان مورد استفاده بود. رنگ سیاه در میان جوانمردانی که هنوز به مرتبه اخیگری نائل نشده بودند مورد استفاده قرار می‌گرفت. رنگ سبز نیز بیشتر در بین مدرسان و حکمرانان کاربرد داشت (cagatay, 1981: 141). رسوماتی نیز در نوع بریدن موی سر در میان اخیها وجود داشت (gordlevski, 1988: 164).

## خانقاهای اخیها و آداب و رسوم مهمان‌نوازی:

خانقاهها از مهمترین بخشهای تشکیلاتی اخیگری محسوب می‌شدند که به آنها زاویه می‌گفتند (رضوی، ۱۳۹۵: ۶۸؛ نفیسی، ۱۳۶۸: ۱۴۶). خانقاهها موسسات موقوفه‌ای بودند که از سوی دولت عثمانی به اخیها واگذار شده بود. چون اخیها در تشکیل دولت عثمانی منشا خدمات ارزنده‌ای بودند. معمولاً در هر شهر زاویه‌های متعددی وجود داشت. زاویه‌ها علاوه بر شهرها در حوالی شهرها، قصبات، روستاها و بر سر راه جاده‌ها نیز تاسیس می‌شدند (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۱/۶۱۴). در سرزمین تازه فتح شده تراکیا نیز، اخیها صدها زاویه بنا کرده بودند (اینالچق، ۱۳۹۴: ۲۵۲). غیر از اعضای رسمی، قضات، مدرسان، پزشکان، خطباء، امرا و بزرگان نیز در زاویه‌ها رفت و آمد می‌کردند (کوپرلی، ۱۳۸۵: ۲۶۱؛ cagatay, 1989: 121-122). اخیها هر شب در آنجا گرد می‌آمدند و شام را با یکدیگر می‌خوردند و پس از آن دسته جمعی به نواختن ساز و خواندن اشعار سرگرم می‌شدند و روش سماع صوفیان را اجرا می‌کردند (نفیسی، ۱۳۶۸: ۱۴۶؛ مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۷۴۰). اخیگری معنای تشکیلاتی نیز به خود گرفت به طوری که اخیها سرپرست مهمان‌نوازی و دستگیری از مردم شدند. از جمله در برابر بیگانه‌گان سخت کوشا بودند و در زوایا از آنها پذیرائی می‌کردند (نیرومند، ۱۳۶۴: ۱۸۳؛ حاکمی، ۱۳۸۲: ۱۲۸). در واقع می‌توان گفت اخیها با پذیرایی از مسافران و تازه واردان در زوایا، آنها را با اصول اخیگری به طور ضمنی آشنا می‌کردند و باعث جذب توده‌های مردمی به سوی خود می‌شدند.

در زاویه‌ها اخیها به فعالیت‌های ورزشی نیز اهتمام می‌ورزیدند. اخیها که جنگاور و از لحاظ قوای بدنی قدرتمند بودند، به جوانان زاویه انواع ورزشها از جمله سوارکاری و تیراندازی آموزش می‌دادند. برخی از مردم نیز فرزندان خود را برای تربیت و تکمیل قوای بدنی نزد اخیها می‌فرستادند (cagatay, 1989: 245؛ کرین، ۱۳۸۳: ۱۰۸). رسومات دیگری هم در زاویه‌ها نظیر بوسیدن سم اسب، خر، قاطر در میان اخیها رایج بود (gordlevski, 1988: 164). اخیها در زاویه‌ها به دختران خود خانه‌داری و شوهرداری نیز می‌آموختند. اما معمولاً زنان را به سازمان آنان راه نبود (cagatay, 1989: 244).

بیشترین اطلاعات درباره خانقاه و تشکیلات اخیها در آناتولی در نیمه اول قرن ۸ ه. ق. / ۱۴ م. در سفرنامه ابن بطوطه موجود است که در آن سده در آن سرزمین سیاحت کرده است. ابن بطوطه در شهرهای مختلف آناتولی به زاویه‌های مختلف اخیان برخورد و مهمان آنان شده است. بدین‌سان وی درباره اخیها و زاویه‌های آنها و احترامی که از جانب آنها دیده، به ستایش از آنها بحث کرده و این اطلاعات را به دست می‌دهد: «دسته اخیه‌الفتیان یا برادران جوانمرد در هر شهر و آبادی و قریه از بلاد روم وجود دارد. این گروه در غریب‌نوازی و اطعام و برآوردن حوائج مردم و دستگیری از مظلومان و کشتن شرطه‌ها و سایر همدستان آنها از اهل شر در تمام دنیا بی‌نظیرند. اخی در اصطلاح آن نواحی کسی را گویند که از طرف همکاران خود و سایر جوانان مجرد به عنوان رئیس و پیشکسوت انتخاب می‌شود. این طریقت را فتوت نیز می‌نامند. پیشکسوت هر یک از گروهها خانقاهی دارد مجهز به فرش و چراغ و سایر لوازم. اعضای وابسته به هر کدام از گروهها آنچه را از کار و کاسبی به دست می‌آورند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/۳۴۷)، هنگام عصر تحویل پیشکسوت خود می‌دهند و این وجوه صرف خرید و میوه و خوراک می‌شود که در خانقاه به مصرف می‌رسد. این جماعت

مسافری را که وارد شهر می‌شوند در خانقاه خود منزل می‌دهند و مسافر تا هنگامی که بخواهد آن شهر را ترک کند مهمان آنان تلقی می‌شود. اگر شبی مسافر نرسید غذایی را که تهیه می‌شود خودشان می‌خورند و سپس به رقص و آواز می‌پردازند تا فردا دوباره بر سر کسب و کار خود بروند و با آنچه را که به دست می‌آورند وقف خانقاه سازند» (همو، ۱۳۷۶: ۱/۳۲۸). همچنین می‌گوید: «اخپها به واردین مرکب و جامه می‌بخشند و از هر کسی در خور قدر و مقام او پذیرایی می‌کنند» (همو، ۱۳۷۶: ۱/۳۵۹). بنا کردن زاویه‌ها توسط اخپها را می‌توان نوعی خدمت اجتماعی نیز قلمداد کرد. چرا که از طرفی در این زاویه‌ها، باورهای صوفیانه و مذهبی اخپها تبلیغ و در تحولات اجتماعی نقش چشمگیری ایفا می‌کرد و دامنه تاثیرگذاری آنان طیف وسیعی از جامعه را دربر می‌گرفت. در واقع رواج باورها و عقاید و آداب و سنن اخپها باعث جذب طبقات مختلف اجتماعی اعم از اشراف و مردم عادی می‌شد. از طرفی هم، نوعی آباد کردن مناطق مختلف و تامین امنیت راهها محسوب می‌شد.

### زمینه‌های ظهور اخپها در قلمرو عثمانی و مناسبات آنها با حکمرانان عثمانی:

پیدایش اخپها در آناتولی به دوره سلجوقیان روم برمی‌گردد (Babinger, 1996: 53). موسس سازمان اخپهای آناتولی، شیخ نصیرالدین محمود بن احمد خوبی معروف به اخی اورن پیر صنف دباغها بوده است که درک و فهم اخگیری را در تشکیلات اصناف وارد کرد و ارتباط اخگیری را با اصناف منجر گردید (اوجاق و بایرام، ۱۳۸۴: ۱۷۱؛ azamat, 1995: XI/519). او در میان پیرهای اصناف و مسلکها دارای جایگاه خاصی بود و در میان هفتاد و دو صنف بزرگترین پیر اصناف به حساب می‌آمد (ozbey, 1984: 86؛ ecer ferhat-yildirim arif, 1988: VIII/ 255). تلاشهای او کمک بسیاری به صنعتگران و صاحب حرفه‌ها و رونق صنعت و تجارت و نیز سوق دادن صاحبان صنعت و مسلکها به اخلاق خوب و منصفانه و یاری آنها به افراد نیازمند کمک گردید. تشکیلات هدفمند او در محافظت از مملکت همگام با ارتش دولت بود و به آنها کمک می‌کرد (bayram, 1991: 131-133؛ cagatay, 1989: 90). آشکار است که عزم اخی اورن در گسترش نفوذ و اعتبار اخپها در آناتولی در پیدایش دولت عثمانی تاثیر گذاشته است.

آن هنگام که در قرن ۷ ه. ق. / ۱۳ م.، در آناتولی بر اثر تهاجم مغول بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و شورشهای بسیار حاکم شد، اخپها با در هم شکسته شدن خطوط دفاعی دولت متمرکز، به کمک و امدادسانی به مردم اقدام کردند. زمانی هم که حکومت سلجوقیان رو به ضعف نهاد و به سلطه مغول گردن نهاد (بعد از واقعه کوسه داغ)، اخپها قدرت فراوانی در آناتولی به دست آوردند و با یاری توده ترکمن به صورت سلسله‌هایی در استخدام اطرافیان سلجوقیان (امیرنشینها از جمله امیرنشین عثمانی) درآمدند. اخگیری ترکی قدیم، آداب و عرفهای آلپها، عرفهای اسلامی فتوت اعراب و ایران همگی ترکیب شده و یکی گشته و در آناتولی به صورت یک نهاد اخگیری با ماهیت تصوف دینی ایجاد شد (bayram, 1991: 102).

در واقع در روی کار آمدن امیرنشین عثمانی، اخپها و انگیزه‌های مذهبی آنها دخالت موثری داشت (شاو، ۱۳۷۰: ۴۰-۱/۳۹). اخپها به عنوان یکی از گروههای نخبگان صوفی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. دین از طریق نخبگان دینی در دولت موثر بوده است. خانقاهها که می‌توان آنان را به عنوان نهادهای دینی-اجتماعی ارزیابی کرد، در حیات اجتماعی پیشرو بوده‌اند. نظام سیاسی، بنابر طبیعت و ذات

خود، از اخیها به عنوان نخبگان دینی حمایت می‌کرده و پشتیبان آنان بوده و در حاکمیت از وجودشان بهره‌مند می‌شده است. نظام سیاسی در این مرحله، از طریق اوقاف، انتقال مالکیت اراضی و نهاد تیمار، به گسترش این موسسات دینی کمک کرده است (دورسون، ۱۳۸۱: ۱۹۲). در واقع می‌توان گفت عامل دین به خاطر اینکه عامل موثری بود که به جنگها جهت می‌داد و اخیها را با آرمانهای جهاد متحد و برای حمله بسیج می‌کرد، و اخیها نیز مردم علاقه‌مند به آرمانهای جنگ و جهاد را به جنبش وا می‌داشتند، نقش به‌سزایی در شکلگیری و قوت‌گیری امیرنشین عثمانی ایفا کرده است. از طرفی هم چنین به نظر می‌رسد که در هنگام تاسیس امیرنشین عثمانی عدم وجود علمای دینی به اندازه کافی باعث توجه بیشتر حکمرانان به اخیها و تلقی آنان به عنوان برجسته‌ترین نخبگان دینی و حاملان ارزشهای دینی و واگذاری مسولیت‌های مهم به آنان شده است و امیرنشین عثمانی با اتکا به حرکت‌های جهادی و یاری از اخیها توانسته است در زمان کوتاه قدرت بگیرد.

از آنجایی که در زمان تاسیس امیرنشین عثمانی، اخیهای شجاع در آناتولی فعال‌ترین دوران خود را می‌گذرانیدند و ماموریت موثری داشته و در محیط امیرنشین عثمانی نفوذ و در میان امرای این منطقه رخنه کردند (kopru, 1993: 88؛ inalcik, 1999: 18؛ اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۵۹۹-۱/۵۸۹)، رهبران عثمانی هم در صدد جلب و جذب هر چه بیشتر اخیان و استفاده از کمک‌های آنها برآمدند. عثمان در ماموریتش در این دوره به عنوان رهبر و غازی با دسته‌های اخیها در ارتباط بود. در راس اخیها نیز شیخ ادبالی بود (امامی خوئی، ۱۳۹۲: ۱۲۵؛ inalcik, 1999: 18؛ barkan, 1942: 288).

هنگامی که عثمان در سگوت به سر می‌برد، شیخ ادبالی از متفدترین و معتبرترین شیوخ اخیهای این منطقه بود. شیخ در محلی به نام ایت بورنی در نزدیکی اسکی شهر خانقاه داشت و ساکن آنجا بود. آن هنگام که شیخ با اخذ تحصیلات عالی فقه در شام بر شهرتش افزوده شد (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۱/۶۳۲ و ۱۲۵؛ منجم‌باشی، ۱۳۹۳: ۸۴)، عثمان برای جلب رضا و دعای شیخ گاه‌گاهی به تکیه و زاویه او می‌رفت و چند روزی در آنجا با مریدان شیخ زندگی می‌کرد (همو، ۱۳۹۳: ۶۴). یک شب عثمان در خواب چنین دید که نوری از سینه شیخ بیرون آمد و در سینه او، حتی درون قلب او جای گرفت. آنگاه چنین دید که از ناف او درختی روید و آنقدر شاخ و برگ بر آن روید که سایه‌اش سرتاسر کره زمین را پوشانید و همه انسانها آمدند و در زیر آن سایه قرار گرفتند. عثمان خواب خود را به شیخ گفت. شیخ او را به ظهور دولت بزرگی در خاندان او مژده داد و شمشیر یک غازی را بر میان عثمان بست. عثمان نیز از چنان آینده‌نگری برخوردار بود که بالاخاتون دختر شیخ را به عقد ازدواج خویش درآورد. بدین‌ترتیب عثمان با ایجاد پیوند خانوادگی، از عنایات شیخ برخوردار شد و در انجام کارها با شیخ ملاقات و مشورت می‌کرد و از نفوذ اخیها در انجام مقاصد خود بهره‌مند می‌شد (اینالجق، ۱۳۹۴: ۹۶؛ منجم‌باشی، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۳؛ اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۶۳۲ و ۱/۱۲۶). عثمان حتی شیخ ادبالی را به مقام مفتی قلمرو خود انتخاب کرد (انتخابی، ۱۳۹۵: ۱۸) و بدین‌ترتیب جایگاه شیخ در دولت عثمانی مستحکم گشت و عثمان از فضیلت‌های معنوی و توانمندیهای حکومتی شیخ در امورات دولتی بهره جست.

در این زمان اخیها با حمایت عثمانیها در آناتولی از شهرهای بزرگ گرفته تا روستاهای کوچک پراکنده شده و به صورت واحدهای گسترده درآمدند و در آنجا ساکن شدند و زندگی کردند

(bayram, 1991: 102). رویارویی ابن بطوطه با اخیها در مناطق بسیاری چون بردور، لادق، میلاس، کنیا، نیده، آق سرای، بولی، سینوپ، سیواس، ارزروم، گموشخانه، تیره، مانیسا، بورسا و ... (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۸۲-۱/۳۴۸)، نیز نشان از این است که تشکیلات اخیگری در جامعه عثمانی در هر بخش و هر منطقه گسترش یافته و حیات اجتماعی اخیها به دلیل نفوذ سازمانهای اخیگری در همه مناطق، مسئله‌ای مهم و تاثیرگذار در جامعه عثمانی بوده است.

اخیگری توانست به صورت سازمانی قدرتمند درآید و موجودیت خود را مدتها حفظ کند. قدرت اخیها در مناطق مختلف به حدی رسید که در دوره امیرنشینها، در شهرهایی که حاکمی نداشت، اداره شهرها را در دست گرفتند (ربانی، ۱۳۹۱: ۱۹۵). آنان در مواقع ضرورت دست به اقداماتی می‌زدند که در حیطه وظیفه دولت بود (شکر، ۱۳۸۵: ۱۴۹). در واقع می‌توان گفت اخیها به عنوان افرادی پرنفوذ در حکومت عثمانی، در شرایط سخت در اداره شهرها و انجام خدمات مردمی مسولیت‌هایی را عهده‌دار می‌شدند و در تامین آسایش و آرامش مردم همواره در تلاش بودند و تاثیری چشمگیر بر امور سیاسی و اداری داشتند.

چون اخیها در شکلگیری دولت عثمانی منشا خدمات ارزنده بودند، به همین دلیل دولت عثمانی برای حراست و حمایت از آنان سیاستی ویژه را اعمال می‌کرد (دورسون، ۱۳۸۱: ۱۹۱). از جمله اینکه دولت به پیروان طریقت اخیها خانقاههایی واگذار می‌کرد (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۱/۶۱۴). همچنین عثمان هنگامی که در اوایل قرن ۸ ه. ق. / ۱۴ م. سرزمینهای تحت حاکمیت خود را میان شخصیت‌های شناخته شده امیرنشین تقسیم می‌کرد، بخشی از اراضی توابع بیلجک را به شیخ ادبالی داد و عشر (مالیات) ده قوزآج را برای امرار معاش شیخ ادبالی و یاران او اختصاص داد (Hoca sadeddin efendi, 1974: 1/ 36-37؛ اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۱/۶۳۲).

با گسترش شهرت عثمان و افزایش سپاهیان او، اخیها نیز در میان جنگجویان عثمان نفوذ و گسترش پیدا کردند و در کنار سپاهیان به نحوی در غذاها شرکت می‌کردند (پاشازاده، ۱۳۳۲: ۳۰۵؛ امامی خویی، ۱۳۹۶: ۱۷۶) و عثمان از نفوذ آنان در پیشبرد طرح‌هایش بهره می‌جست (جمالی‌فر، ۱۳۹۱: ۲۶). در واقع پیوند حکومت عثمانی با گروه‌های اخیان، به حضور آنان در سپاه عثمانی و نقش آنان در ترویج اسلام باز می‌گشت (تاره، ۱۳۸۷: ۴۰۳/۱۵). می‌توان گفت نقش برجسته اخیها در شکلگیری امپراتوی عثمانی و قوت بخشیدن به موجودیت این دولت، بازگوکننده قدرت اجتماعی و سیاسی تشکیلات اخیها بود.

بعد از مرگ عثمان، اورخان بیگ (۷۶۱-۷۲۴ ه. ق.) با برخورداری از حمایت اخیها که با برقراری مجلسی در زاویه اخی حسن جانشینی او را پذیرفتند، به جای عثمان نشست و متمایل به اخیها گشت. حتی لباس و پوشش اخیها را نیز در تشکیلات ارتش وارد کرد. او به نوبه خود در مناطق تازه فتح شده موقوفاتی ایجاد کرد تا فعالیت‌های اخیها را از نظر مالی تامین و تقویت کند (Togan, 1971: 346؛ شاو، ۱۳۷۰: ۱/۴۳؛ جمالی‌فر، ۱۳۹۱: ۲۶). وی برخی روستاها را با هدف تاسیس مراکز دینی و محافظت از آنان، وقف اخیان کرد. سیاست تاسیس مراکز اوقاف، به منظور مساعدت به اخیها را سلیمان پاشا و مراد اول (پسران اورخان) نیز ادامه دادند. آنان هنگامی که به روم ایلی قدم گذاشتند و آن را به سرزمین عثمانی ملحق کردند، برای نخبگان دینی مراکز وقفی مختلفی بنیان گذاشتند (دورسون، ۱۳۸۱: ۱۹۱؛ barkan, 1942: 292) و اخیها از گشاده‌دستی نخستین فرمانروایان



عثمانی و اطرافیان آنها بهره بردند (انتخابی، ۱۳۹۵: ۱۸). این مسائل مشخص می‌کند که اخیها سهم بسزایی در استقرار حکومت عثمانی بازی کردند، به گونه‌ای که رهبران اولیه عثمانی در صدد حمایت از آنان و ایجاد موقوفه‌هایی بر آنان برآمدند.

در سال ۷۶۷ ه. ق. ریاست طریقت اخیها به سلطان مراد اول انتقال یافت (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۱/۵۹۹؛ گولپینارلی، ۱۳۸۶: ۳۶۱). وی توانست بدون درگیری با اخیها وارد آنکار شده و آنجا را در دست گیرد. این مساله نشان از جایگاه محترم او در میان اخیها و ارتباطات مثبت اخیها با او را دارد (nesri, 1987: 1/ 190-193). وی مراسم شدّ (مراسم کمر بستن اخیها) اخی موسی را خود انجام داد و طی اجازه‌نامه و وقف‌نامه‌ای که به اخی موسی رئیس اخیهای گلیبولی داد چنین نوشت: «... به این وسیله شالی را که توسط اخیهایم بر کمر بسته بودم به دست خویش بر کمر اخی موسی می‌بندم و او را مامور ماقره می‌کنم و پس از ما او به جای ما خواهد بود...» (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۵۹۹/۱). از آنجاییکه در این وقف‌نامه سلطان مراد اول به عنوان یک اخی ذکر شده است، می‌توان این مسئله را دلالت بر گرایش برخی پادشاهان به تشکیلات اخیگری تلقی نمود.

همانگونه مشخص است نخستین فرمانروایان عثمانی علاوه بر حمایت از اخیها، خود نیز وارد انجمن‌های اخیگری شدند و گاهی از رهبران اخیها گشتند. آنان در مقام کارگزاران انجمن‌های اخیگری بودند که وحدت و نظم را به آناتولی بازگرداندند (شاو، ۱۳۷۰: ۱/۴۳). در واقع ارتباطات سلاطین غازی عثمانی با اخیها، شمشیر بستن پادشاهان عثمانی و کمک به برگزاری مراسم اخیها (که همانند مراسم فتوت بود) نیز، گویای انتصاب پادشاهان عثمانی به تشکیلات اخیگری است (ergin, 1922: 1/ 548-549). در آناتولی از نیمه دوم قرن ۱۳ م. تا قرن ۱۴ م. علاوه بر حکمرانان عثمانی، عده زیادی از رجال دولت، زنان، مدرسان، تاجران بزرگ و شیوخ طریقتهای مختلف نیز، به تشکیلات اخیها وارد شدند (kopruolu, 1993: 91).

به طور کلی می‌توان بیان نمود که حمایت‌های حکمرانان نخستین عثمانی از اخیها و گسترش تشکیلات اخیگری در قلمرو عثمانی، ناشی از اهداف سیاسی، اجتماعی، نظامی و عقیدتی بوده است. زیرا حکمرانان عثمانی در صدد قدرت‌گیری و گسترش قلمرو خود بودند و از آنجایی که اخیها با اعتقادات صوفیانه خود جایگاه خاصی در بین مردم داشتند و قدرت متحد کردن مردم را در مقابل هجوم‌های خارجی و درگیری‌های داخلی را داشتند و اهتمام خاصی به مساله جنگ و جهاد داشتند، نیروی نظامی خوبی تلقی می‌شدند که حکمرانان عثمانی جهت رسیدن به مقاصد سیاسی خود از توجه به قدرت و توانایی اخیها غافل نگشته و اخیها را زیر چتر خود گرفت و از وجود آنها بهره جست.

### **علل و عوامل تضعیف و زوال اخیها در قلمرو عثمانی:**

با اینکه در ادوار متقدم، اخیها نقش مهمی در حکومت و جامعه عثمانی بازی کردند و حکومتگران عثمانی هم وارد تشکیلات آنها شدند، اما با فزونی یافتن مطلق‌گرایی و تمرکزگرایی، حکومت آنها را تحت نظارت خود قرار داد (اینالچق، ۱۳۹۴: ۲۵۵). با وجود آنکه در قرن ۸ ه. ق. / ۱۴ م. اخیها بر تمام بلاد آناتولی مسلط بودند (نفیسی، ۱۳۴۶: ۱۵۴؛ حاکمی، ۱۳۸۲: ۳۸)، اما پس از آن که کم و بیش در دستگاه حکومتی عثمانی، سازمان تشکیلات اداری منظمی به وجود آمد، به تدریج در نقاط مختلف آناتولی و سایر سرزمین‌ها تعداد زیادی از علمای حنفی مذهب به تدریج وارد آناتولی شدند

و اهمیت زیادی یافتند و تشکیلات مرکزی عثمانی قدرت گرفت و اخیها اهمیت سیاسی خود را از دست دادند (کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۱؛ امامی خوئی، ۱۳۹۲: ۱۲۵). عقاید اهل تسنن و نظرات صوفیانه آنها نسبت به اخیها حالت سلطه و غلبه به خود گرفت. این جریان از زمان حکومت سلطان مراد اول، شروع به رشد کرد. تا آنکه در زمان سلطان یلدریم بایزید اول که زندگی درباری داشت، رشد بسیاری یافت و کاملاً نمود پیدا کرد (همو، ۱۳۹۲: ۱۲۵). گلشهری شاعر بزرگ ترک که پرورده نیمه اول قرن ۸ ه. ق. / ۱۴ م. است، به هنگام بحث از اخیها، با گفتن اینکه اینان عموماً جاهل هستند و از آداب فتوت غافل، این مسئله را آشکار می‌کند که عالمان و متصوفان اهل سنت درباره اینان نظر چندان خوبی نداشته‌اند (کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۴). به طور کلی می‌توان بیان نمود که حاکمیت عثمانی بعد از آنکه بر اساس نهادهای اسلام تسنن سازماندهی شد، کارکرد تشکیلات اخیگری رنگ باخته و اهمیت سیاسی آنان کاهش یافت.

از طرفی دیگر با تاسیس اجاق ینی‌چریها که پایگاه قدرت نظامی-سیاسی حکومت عثمانی بود، طریقه‌هایی چون بکتاشیگری هواداران بسیار زیادی پیدا کردند (امامی خوئی، ۱۳۹۲: ۱۲۵) که این مسأله را نیز می‌توان تا حدودی سهم در تنزل جایگاه اخیها دانست. شکلگیری بکتاشیه اخیها را به صورت تشکیلات عادی اصناف رها کرد و ماهیت باطنیه که در اساس آنان بود، به طریقه‌هایی چون بکتاشیه منتقل شد (کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۱). در واقع قدرت‌گیری بکتاشیه و توجه حکمرانان عثمانی به این طریقت نیز از عوامل تضعیف موقعیت اخیها محسوب می‌گردد.

در مجموع می‌توان گفت آن هنگام که حکمرانان عثمانی، ینی‌چری و در پی آن بکتاشیه را تکیه‌گاه نیرومندتری برای خود احساس کردند از ارتباط و پیوندهای عمیق خود با تشکیلات اخیگری کاستند و حضور ملموس و قوی بکتاشیان مانع از ادامه فعالیت‌های گسترده اخیها به شکل پایدار شد.

با وجود کاهش نفوذ سیاسی و تضعیف جایگاه اخیها، آنان همچنان در اوایل قرن ۹ ه. ق. / ۱۴ م. به فعالیت‌های خود ادامه می‌دادند (گولپینارلی، ۱۳۸۶: ۳۶۱). اما به تدریج بعد از دوران سلطان محمد فاتح (۱۴۸۱-۱۴۵۱ م.)، سازمان اخیها و اخی باباها اهمیت و اعتبار اندکی را هم که داشتند از دست دادند و نفوذ آنان در مسائل سیاسی بیش از پیش تقلیل یافت و به صورت سازمانی درآمد که تنظیم امور اصناف را بر عهده داشت (دیانت، ۱۳۷۷: ۲۹۰). از قرن ۹ ه. ق. / ۱۵ م. به بعد اطلاعات مربوط به اخیها رفته رفته کمتر می‌شود و گمان می‌رود که در اواخر این قرن اکثر سازمان‌های اخیها از میان رفته، هر چند هنوز تعداد بسیار کمی از آنان در بعضی صنف‌های جامعه ترک باقی مانده بود (رضوی، ۱۳۹۵: ۶۷)، به طوری که در دوره سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ م.-۱۵۲۰ م.) در قونیه دو برادر از عالمان آن زمان به نام‌های محمد و احمد ملقب به اخوین که پدرشان نیز پیر صنف دباغ و پیر خانقاه بود به اخی‌زاده معروف بودند (ثریا، ۱۳۱۶: ۴/۱۱۶؛ دیانت، ۱۳۷۷: ۲۹۰).

ظاهراً تضعیف جایگاه اخیها تا قرن ۱۲ ه. ق. / ۱۸ م. ادامه داشت، به گونه‌ای که در همین قرن در جریان جنگ روس-عثمانی نیز تشکیلات اخیها (به رغم فعالیت اعضا) رو به تضعیف بیشتر نهاد و با نفوذ و گسترش روش‌های اقتصادی جدید راه زوال پیمود. اخی بابای قیر شهر نیز دیگر در کار سازمان اخیها مداخله‌ای نداشت. تا آنکه سرانجام در ۱۹۰۸ م. سازمان اخیگری منحل شد و در ۱۹۲۵ م. به فعالیت پراکنده آن نیز یکسره خاتمه داده شد (همانجا).

**رویکردها و فعالیت‌های صنفی اخیها:**

بخش مهمی از فعالیت اخیها، استقبال از کوچ‌نشینانی بود که سرزمین خود را ترک کرده و وارد آناتولی شده بودند، که اخیها در صدد پناه دادن به آنها و عادت دادن آنها به سرزمین جدید و زندگی یکجانشینی بودند. مهمترین گام این دگرگونی، تامین کار و اشتغال‌زایی برای آنان و ایجاد تسهیلات برای اشتغال آنان در شهرها بود. به گونه‌ای که حتی بکتاشیه هم در این مورد تحت تاثیر اخیگری قرار گرفت (امامی خویی، ۱۳۹۲: ۱۱۵؛ اوجاق و بایرام، ۱۳۸۴: ۱۹۷-۱۹۶).

اخیها در سازمان دادن تشکیلات اصناف دوره عثمانی جایگاه مهمی داشتند (امامی خویی، ۱۳۹۶: ۵۰). در دوره امیرنشین عثمانی در شهرهای توسعه یافته بخصوص کنیا، کایسری و سیواس، در مناطق مشخصی از این شهرها، برای شاخه‌های مختلف اصناف بازارهایی (از جمله بازارهای سرپوشیده) اختصاص داده بودند. اخیها در مغازه‌های آنجا مشغول به کار بودند. در شهر کارامان انواع پارچه‌های روکش و در سیواس بهترین چرم‌ها تولید می‌شد. رئیس هر صنف به طور جداگانه صاحب تشکیلاتی بودند. این تشکیلات به صورت مرتب و سازماندهی شده بودند به طوری که همه کارهای مربوط به خود را انجام می‌دادند و اعضای آنان هم ارتباطاتشان را با همدیگر به صورت حسنه تنظیم می‌کردند. تعیین هزینه‌ها و کارهایی چون تنظیم امور مربوط به انواع کالاها و محصولات و قیمت‌های آن نیز، از طرف اصناف انجام می‌گرفت. همبستگی اعضای اصناف تا حدی با الهام از سنت‌های تصوف و نگرش اخلاقی آنان و تا حدی هم با تکیه بر قهرمانی‌ها و دلیری‌ها ابقا و حفاظت می‌شد (yucel, 1991: 320-321). اخیها با ترویج اصول اخلاقی در محیط‌های صنعتی، روابط تولید و مصرف را نیز سامان می‌دادند (cagatay, 1989: 191). در واقع آشکار است که سازماندهی امور صنفی توسط اخیها، با تکیه بر اصول اخلاقی صوفیانه صورت می‌پذیرفت.

در همه شهرها هر گروه از اصناف و پیشه‌وران طبق مبانی فتوت، به رهبری یک اخی که از میان اعضای خود انتخاب می‌کردند، سازماندهی می‌شد (اینالچق، ۱۳۹۴: ۲۵۵). به عبارتی می‌توان گفت توجه اخیها به شاخه‌های مختلف صنایع باعث می‌شده است که اخیها در تکوین و گسترش صنعت و تجارت شهرها نقش موثری ایفا کنند و در حیات اقتصادی جامعه عثمانی سهیم باشند.

در سازمان اخیهای امپراتوری عثمانی، به روسای صنف دباغان و سراجان اخی بابا اطلاق می‌شد. گاهی به روسای سایر صنفا نیز اخی بابا گفته می‌شد (pakalin, 1983: 1/29). روابط استاد شاگردی آنان همانند مرید و مراد بود (امامی خویی، ۱۳۹۲: ۲۲۴). اخیها روابط استاد شاگردی را در شاخه‌های مختلف صنایع تنظیم و هدایت می‌کردند (cagatay, 1989: 191). کسی که به مقام اخی بابا برگزیده می‌شد، لازم بود متقی و دست کم تحت آموزش سه استاد در صنف مربوط قرار گرفته باشد. صنف دباغان به ۳۲ شعبه تقسیم شد و در آناتولی، شبه جزیره بالکان و کریمه به صورت سازمان وسیعی درآمد. بدین ترتیب اخی بابای دباغان بر سازمانهای دیگر صنفهای ترک در آناتولی و ایالات اروپایی امپراتوری (به غیر از ممالک عرب‌نشین) ریاست داشته و آنان را زیر نفوذ خود درآورده بود (دیانت، ۱۳۷۷: ۲۹۰؛ cagatay, 1989: 84-85). پذیرش اعضای جدید در تشکیلات اخیها و اجرای مراسم مخصوص پذیرش که عبارت از بستن کمر بند مخصوص (قوشاق)، صدور اجازه، پوشانیدن شلوار مخصوص و نوشاندن آب نمک بوده، از وظایف مهم اخی باباها به شمار می‌آمده است. اخی باباها همچنین برای رفع اختلافات و منازعات میان محلات، حق داوری داشتند و نظر آنان مورد احترام و قبول اعضا بود. به هنگام بروز اختلاف بین اعضای شورای

مشورتی هم تصمیم نهایی با اخی بابا بود. سرپیچی از دستور وی نیز مجازات سختی در پی داشت. همچنین محاکمه و مجازات اعضای خطاکار تشکیلات اخیها نیز بر عهده آنان بوده است (دیانت، ۱۳۷۷: ۲۹۰). آن‌گونه که پیداست اخی باباها نسبت به سایر اخیها مسئولیتهای مهمتری را عهده‌دار بودند و در سازمان اخیگری از جایگاه والایی برخوردار بودند.

### رویکردها و فعالیت‌های سیاسی اخیها:

اخیها در مواقع بسیاری در امور سیاسی حکومت دخیل بودند. بخصوص مواقعی که حکومت مرکزی تضعیف می‌شد اخیها نقش فعالی بر عهده می‌گرفتند و وارد بازیهای سیاسی می‌شدند (اینالجت، ۱۳۹۴: ۲۵۵). به گونه‌ای که این بطوطه درباره وضع سیاسی اخیهای برخی مناطق می‌گوید: «رسم چنین است که اگر در محلی سلطان نباشد حکومت به دست اخی یا سردسته جوانمردان است... ترتیب کار و روش این فرمانداران محلی از حیث امر و نهی و غیره همان آداب ملوک می‌باشد». ابن بطوطه از فرمانروایی اخیها در برخی از شهرها مانند آق سرای و قیصریه نیز یاد کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۵۹-۱/۳۵۸). در واقع اخیها هم در اداره شهرها شرکت داشتند (akdag, 1977: 1/ 119)، هم در مراسم بزرگ مانند استقبال از فرمانروای جدید شهر، همچنین به هنگام بروز نا-آرامی و هرج و مرج، تامین آسایش و امنیت شهروندان را بر عهده می‌گرفتند و سعی می‌کردند تا زندگی شهری دچار نابسامانی نشود (همو، ۱۹۷۷: ۱/۲۷۳). در این‌گونه موارد اخی بابا یا یکی از اخیها را به عنوان والی شهر تعیین می‌کردند (همو، ۱۹۷۷: ۲/۳۴). اداره شهر آنکارا نیز مدتی در اختیار اخیهای آنکارا بود که مراد اول در ۷۶۲ ه. ق. / ۱۳۶۱ م. آنجا را از ایشان تحویل گرفت (هامرپورگشتال، ۱۳۶۷: ۱/۱۵۲). اخیها در انتخاب بیگ‌ها نیز نقش به‌سزایی داشتند. آنان در کنار کارگزاران عالی‌رتبه دولت، همچون وزرا و بیگلربیگی، از نقش موثر برخوردار بودند. حتی اورخان با خواست و تصمیم اخیها به قدرت رسید (۱۹۸۴: ۱۶-۱۷، gunduz). مراد اول نیز با تصمیم اخیها به ریاست دولت برگزیده شد (دورسون، ۱۳۸۱: ۱۹۰). در واقع آشکار است که اخیها در میان حکمرانان عثمانی صاحب چنان قدرت و نفوذی بودند که دخالت در امور اداری و سیاسی را برای آنان به ارمغان آورده بود.

### رویکردها و فعالیت‌های فرهنگی اخیها:

اخیها در زمینه‌های فرهنگی در جامعه عثمانی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. توانمندی‌های مادی و معنوی تشکیلات اخیگری تا حدود زیادی مصروف تکوین و تحول مدنی و فرهنگی آناتولی می‌شد. اخیها که شهره به صفات انسانی همچون شجاعت و قهرمانی بودند، در زمره کسانی بودند که در تُرکنشین کردن آناتولی و گسترش اسلام در آن منطقه نقش موثر و شاخصی داشته‌اند. این جریان در رشد و ارتقای زبان، ادبیات و رواج آداب و رسوم نقش پررنگی داشته است (شکر، ۱۳۸۵: ۱۴۹؛ اجاق و بایرام، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

از مهمترین اقدامات اخیها در زمینه فرهنگی، کمک به سنت آموزش و یادگیری بود. زمانی که اخیگری در قلمرو عثمانی گسترش یافته بود، در زاویه‌ها، پادگان‌ها، مسافرخانه‌ها و کاروانسراها، سیره نبوی، حمزه‌نامه، فتوت‌نامه و آثاری همانند اینها خوانده می‌شد و اخیها در این امر نقش فعالی داشتند. در مجامع فرهنگی و خاص، دیوان‌ها، مثنوی‌ها، حماسه‌نامه‌ها و جهادنامه نیز خوانده می‌شد.

این وضعیت در جامعه عثمانی نوعی وحدت فرهنگی ایجاد کرده بود (demirpolat, 2004: 368). در زاویه‌ها علاوه بر آموزش سواد و تزریق اطلاعات دینی، علمی و ادبی، خواندن قرآن کریم و آموزش زبانهای ترکی، عربی و غیره نیز مورد اهتمام بود. همچنین برای افرادی که استعداد و توانایی داشتند و یا خود راغب به یادگیری بودند، دروسی همچون خوشنویسی و موسیقی نیز آموزش داده می‌شد. در نتیجه این آموزشها در زاویه‌ها، اخیهای اصناف مختلف قادر به خواندن آثار علمی شده و بر موضوعات علمی آگاهی یافته و در صدد بهره‌مندی از آن موضوعات برمی‌آمدند. اخیها آثار دینی، تاریخی و علمی را مورد توجه قرار دادند و به درجه‌ای نائل شدند که خودشان توان شعر گفتن و حماسه‌نویسی را کسب کردند (demirpolat, 1990:37؛ ekinci, 1991:28). در واقع می‌توان گفت توانمندیهای فکری و معنوی اخیها تحولات عمیقی را در جامعه عثمانی منجر شده است. چرا که اخیها با تعلیمات علمی و دینی خود در زوایا، سبب رواج ادبیات ترکی و گسترش اسلام شده و وحدت فرهنگی را برای جامعه عثمانی به ارمغان آورده است.

### ارتباط تشکیلات اخیگری با سایر گروههای صوفیه:

اخیها با توجه به سازمان خاص تصوف دینی و تشکیلات متفاوت خود نسبت به سایر جریانها، در طریقه‌های مهم آناتولی نظیر مولویه، خلوتیه، بکتاشیه، رفاعیه و قادریه نیز نفوذ داشتند. در اولین افسانه‌های مرتبط با مولویه، روابط مثبت و منفی بین اخیها و مولویه در کنیا، به شکل‌های مختلف بیان شده است (eflaki, 1989: I/ 302, 422, II/ 171, 232؛ لوئیس، ۱۳۵۰: ۲۲۸-۲۲۵). از جمله گفته شده است که اخیهای قدیمی طرفدار مولوی بودند، ولی اخیهای جدید، مولوی چیان را قبول نداشتند (امامی خویی، ۱۳۹۶: ۴۸). طریقت خلوتیه نیز در آناتولی بر اثر تلاشهای اخی یوسف خلوتیه که در نیده زاویه‌ای بنیان نهاد، وارد شده است (kopruclu, 1993: 96). میان اخیگری و بکتاشیه نیز از نظر آداب و ارکان شباهتهای زیادی قابل مشاهده است، از این رو این احتمال بعید نیست که اغلب اخیها در اواخر قرن ۸ ه. ق. / ۱۴ م.، نام بکتاشی گرفته و سلسله خود را به حاجی بکتاش ولی متصل کرده باشند. اگر این احتمال هم پذیرفته نشود به هر حال ماهیت باطنی اخیگری را نمی‌توان انکار کرد (کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۴). در ولایت‌نامه نیز روابط حسنه بین حاجی بکتاش‌ولی و اخی اورن به صورت آشکار بیان شده است (vilayetname manakib-i haci) (bektas-i veli, 1990: 49-52)، که گویای ارتباط اخیها با بکتاشیه است. به طور کلی می‌توان بیان نمود که سازمان اخیگری که اساسش از تصوف نشات گرفته، با باورهای صوفیانه و مذهبی خود، علاوه بر ارتباطش با تشکیلات فتوت، با سایر طریقه‌های صوفیانه نظیر مولویه، خلوتیه و بکتاشیه نیز در ارتباط بوده و در تحولات اجتماعی نقش‌آفرینی کرده است.

### شخصیتهای برجسته اخیها و جایگاه آنان در دولت عثمانی:

در اولین سده عثمانیان اخیهای فراوانی وجود داشتند که در امپراتوری عثمانی وظیفه مهمی ایفا کردند (کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۳؛ شکر، ۱۳۸۵: ۱۴۹). از جمله بزرگان اخیهای این دوره شیخ ادبالی، اخی محمود، تورسون فقیه، اخی یعقوب، اخی شمس‌الدین، اخی حسن و چندرلی قرمخلیل بودند. بسیاری از دولتمردان و دانشمندان معاصر با پادشاهان عثمانی نیز از بزرگان اخیها بودند (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۱/۵۹۹؛ کوپریلی، ۱۳۸۵: ۲۶۳؛ طاشکبری‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۶ مقدمه). آنان با

موقعیت اجتماعی مهمی که داشتند، در دستگاه حکومتی عثمانی خدمات شایانی کردند و در سازمان اداری دولت مسئولیت‌های بسیاری را به عهده گرفتند و در امورات مهم دخیل بودند. آنان در جنگها نیز نقش فعالی داشتند (۱۹۸۴: ۱۴-۱۵؛ Gunduz, ۱۳۷۷: ۵۹۹ و ۱/۶۳۲؛ طاشکبری‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۶ مقدمه)، به گونه‌ای که برخی از این اخیها در فتح بروسه دست داشتند (رضوی، ۱۳۹۵: ۶۷).

شیخ ادبالی که از روسای اخیها بود، با ارشاد عثمان و بستن شمشیری بر کمر او بنابر رسم اخیگری، باعث شد که عثمان مقام غازی پیدا کرد (هولت، ۱۳۸۸: ۳۶۵؛ گولپینارلی، ۱۳۸۶: ۳۹۱). وی اندکی پیش از مرگ عثمان در سال ۷۲۶ ه. ق. / ۱۳۲۶ م. در بیله‌جک درگذشت (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۱/۶۳۳؛ منجمباشی، ۱۳۹۳: ۸۴). انجام رسومات اخیگری و کمر بستن از جانب شیخ ادبالی نشان از جایگاه مهم او و عمق ارتباط وی با حکمرانان عثمانی است.

اخی محمود پسر شیخ ادبالی نیز از ناموران اخیها بود که در دولت عالییه صاحب مقام و دارای احترام بود (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۱/۶۳۳؛ منجمباشی، ۱۳۹۳: ۸۴). تورسون نیز از علمای مشهور دوره عثمان بود. وی شاگرد و داماد شیخ ادبالی بود که به مسلک اخیگری گرایش داشت و حکومت عثمانی از تعلیمات او در خانقاهها و مدارس در زمینه‌های فقه و حدیث و تفسیر بهره می‌برد (سامی، ۱۳۰۸: ۴/۳۰۲۰؛ گولپینارلی، ۱۳۷۸: ۲۰۱). تورسون در دولت عالییه نخستین قاضی و نخستین مفتی بود. اولین خطبه‌ای که در قزجه حصار بنام عثمان غازی خوانده شد از سوی وی بوده است (منجمباشی، ۱۳۹۳: ۶۸). در واقع می‌توان گفت تعلیمات دینی و فقهی تورسون در خانقاهها از طرفی تاثیر عمیقی در افکار اخیها برای درک بهتر ارزشهای دینی و اخلاقی داشته است و از طرفی دیگر با تقویت رفتارهای صوفیانه آنان باعث ایجاد اشتیاق نظامی در راه جنگ و جهاد می‌شده است.

اخی یعقوب پسر محمد پاشا و نوه شیخ ادبالی بود. وی شیخ خانقاهی بود که در سال ۷۶۱ ه. ق. / ۱۳۵۹ م. به دستور غازی اورخان ساخته شد (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۱/۶۳۳). اخی یعقوب با همکاری سایر اخیها در حادثه «دوزمه مصطفی»، به شکلی مناسب شهر بروسه را از آسیب حمله وی نجات داد (کوپرلی، ۱۳۸۵: ۲۶۳؛ شکر، ۱۳۸۵: ۱۴۹). اخی حسن نیز که پسر اخی شمس‌الدین و برادرزاده شیخ ادبالی بود (انتخابی، ۱۳۹۵: ۱۷)، یکی از خواص و دارای حال و ذوق عارفانه بود (منجمباشی، ۱۳۹۳: ۸۵). وی در فتح بروسه شرکت داشت. اخی حسن در بروسه در درون حصار، نزدیک بیگ‌سرای، تکیه‌ای داشت و بعد از وفات عثمان وظایف مهم را عهده‌دار شد (کوپرلی، ۱۳۸۵: ۲۶۳؛ شکر، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

قرمخلیل از خویشاوندان شیخ ادبالی و از مهمترین اخیهای صاحب تشکیلات و سازمان بود که در حکومت عثمانی به سمت قضاوت، قاضی عسگری، وزارت و فرماندهی لشکر رسید و خدمات ارزنده‌ای به حکومت عثمانی کرد (سامی، ۱۳۰۸: ۳/۲۰۷۲؛ عربخانی، ۱۳۹۴: ۱۰۱-۱۰۰). وی در زمان اورخان، قاضی بیله‌جک شد. بعداً در ازنیق به کار قضا پرداخت و پس از آن در سال ۷۶۱ ه. ق. / ۱۳۶۰ م. قاضی بروسه شد و نخستین تشکیلات لشکری امیرنشین عثمانی یعنی «یایا» و «مسلم» را پی ریخت و بدین‌ترتیب نخستین گام تبدیل نیروهای عشیره‌ای به نیروی نظامی منظم را برداشت. این تشکیلات جدید در پیروزیهای اوایل دوره عثمانی عامل موثری بود. آن هنگام که مراد اول در سال ۷۶۳ ه. ق. / ۱۳۶۲ م. به سلطنت رسید، قرمخلیل که مورد اعتماد مراد اول بود، به مقام

قاضی عسگری که عالی‌ترین مقام علمی و قضایی بود و اولین بار در زمان مراد اول ایجاد شده بود، منصوب شد. وی بعد از این انتصاب به دلیل ایجاب مسئولیتش، در جنگها به همراه سلطان شرکت می‌کرد، که در این سمت نیز مهارت و توانایی خود را نشان داد. به سبب گسترش دامنه فتوحات و ضرورت افزایش قوای نظامی به پیشنهاد قره‌خلیل جوانان مسیحی را که طی جنگ به اسارت عثمانیها درمی‌آمدند به دهقانان ترک می‌سپردند. این جوانان بعد از آنکه با اصول اسلامی تربیت می‌شدند و زبان ترکی را یاد می‌گرفتند تحویل «سازمان عجمی» شده و پس از طی تعلیماتی، گروه پیاده نظام خاصی را تشکیل می‌دادند که نخستین پیاده نظام منظم عثمانی به این ترتیب به وجود آمد و «سازمان بینی‌چری» نام گرفت (انتخابی، ۱۳۹۵: ۲۰؛ اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۱/۶۲۶؛ سامی، ۱۳۰۸: ۲۰۷۲/۳). همچنین با درخواست قره‌خلیل تشکیلات مالیه ایجاد گشت و قانون مربوط به اختصاص یک اسیر از هر پنج اسیر به دولت برای سازمان بینی‌چری و در صورت عدم نیاز به اسیر، پرداخت آنچه در ازای اسرا به حساب دولت تصویب شد (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۱/۶۲۷).

قره‌خلیل در سال ۷۷۴ ه. ق. / ۱۳۷۲ م. با داشتن سمت قاضی عسگری به وزارت رسید و به سبب احراز مقام وزارت، خیرالدین پاشا لقب گرفت. او بعد از مدتی، وزارت و فرماندهی ارتش را مشترکاً عهده‌دار شد و به این ترتیب کلیه امور دولتی اعم از لشکری و کشوری و اداری و مالی را عهده‌دار شد و در این راه به موفقیت‌های بسیاری نایل آمد. به دستور وی مسجد یشیل جامع در ازنیق و مسجد جامعی در گلیبولی و سرز ساخته شد (همو، ۱۳۷۷: ۶۲۸-۱/۶۲۷). قره‌خلیل با حمایت و توجه به علما و ادبا، در پیشرفت جریانهای فکری و علمی نقش موثری داشته است و با تشویق او در زمینه موضوعات گوناگون، تالیف و ترجمه آثاری به زبان ترکی صورت پذیرفته است (همو، ۱۳۷۷: ۱/۶۰۴). وی در سال ۷۸۹ ه. ق. / ۱۳۷۷ م. در قرارگاه لشکر مریض شد و اندک مدتی بعد درگذشت و پسرش علی پاشا به جای پدر به وزارت رسید (همو، ۱۳۷۷: ۶۵۷ و ۱/۶۲۷). کاملاً پیداست که در دوره‌های اولیه حکومت عثمانی که تشکیلات دولتی هنوز در وضع ابتدایی قرار داشت، رهبران اخیها فعالیت‌های پررنگی در جامعه عثمانی داشتند و وظایف مهمی را عهده‌دار بودند. توجه و حمایت حکمرانان عثمانی و گروه‌های مختلف اجتماعی به آنان نیز باعث افزایش دامنه فعالیت‌های آنان می‌شد.

## نتیجه‌گیری

اخیگری درجه‌ای از سلسله مراتب سازمان فتوت بود که پایبند به اصول تصوف دینی و اخلاقی بود. منشا پیدایش اخیگری در آناتولی به دوره سلجوقیان روم برمی‌گردد که توسط اخی اورن به شکل تشکیلات سازمان یافته درآمد. تا اینکه در نیمه دوم قرن ۷ ه. ق. / ۱۳ م. تهاجم مغول منجر به خلا قدرت سیاسی دولت گردید و با ضعف سلجوقیان، اخیها در شکلگیری امیرنشین عثمانی نقش موثری ایفا کردند. به تدریج با قدرت گرفتن حکومت عثمانی، تشکیلات اخیگری نیز در قلمرو عثمانی گسترش یافت و اصول و عقاید اخیگری در همه شهرها انتشار یافت. رهبران برجسته اخیها نیز با نفوذ در ارتش و دستگاه حکومتی عثمانی، خدمات ارزنده‌ای در زمینه‌های مختلف نظامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دولت عثمانی کردند. در نتیجه مورد توجه و حمایت حکمرانان عثمانی قرار گرفتند. به طوری که هم مسئولیت‌های مهمی در دولت عثمانی بر اخیها واگذار شد، هم موقوفه‌ها و زوایای بسیاری به آنان اختصاص داده شد که منجر به فزونی قدرت اجتماعی و سیاسی تشکیلات اخیها شد.

با ارتقا جایگاه اخیاها در دولت عثمانی، آنان در میان مردم عادی و اصناف نیز از جایگاه خاصی برخوردار شدند و همواره در صدد ایجاد وحدت با گروههای مردمی جهت آرامش و امنیت اجتماعی بودند. بدین ترتیب تشکیلات اخیگری با جلب و جذب حکمرانان عثمانی و گروههای مختلف مردمی، توانست موجودیت خود را مدتها در قلمرو عثمانی حفظ کند. اما به تدریج با ثبات قدرت مرکزی حکومت عثمانی، از اهمیت سیاسی تشکیلات اخیگری کاسته شد. به خصوص با تاسیس لشکر ینی-چری که پایگاه قدرت سیاسی و نظامی حکومت عثمانی بود و پیوند عمیقی با طریقتهایی چون بکتاشیه داشت، اخیاها جایگاه سیاسی خود را در حکومت عثمانی از دست دادند و اغلب به صورت تشکیلات اصناف به فعالیت خود ادامه دادند. تا آنکه رفته رفته تضعیف قدرت اخیاها به جایی رسید که راه زوال در پیش گرفت و سرانجام در سال ۱۹۰۸ م. سازمان اخیگری منحل شد.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

۱. ابن بطوطه، ۱۳۷۶، سفرنامه ابن بطوطه، جلد ۱، ترجمه محمدعلی موحد، بی‌جا، آگاه.
۲. افشاری، مهران، ۱۳۸۴، آیین جوانمردی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۳. افشاری، مهران و مهدی مدائینی، ۱۳۸۱، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، تهران، نشر چشمه.
۴. امامی خوئی، محمدتقی، ۱۳۹۶، تاریخ امپراتوری عثمانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران.
۵. ....، ترکان، اسلام و علوی‌گری-بکتاشی‌گری در آناتولی، ۱۳۹۲، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. انتخابی، نادر، ۱۳۹۵، دین، دولت و تجدد در ترکیه، تهران، هرمس.
۷. اوجاق، یاشار و میکائیل بایرام، ۱۳۸۴، جنبشهای عرفانی-سیاسی در زمان سلجوقیان، ترجمه محمدتقی امامی خوئی، تهران، نشر گواه.
۸. اوزون چارشلی، اسماعیل حقی، ۱۳۷۷، تاریخ عثمانی، جلد ۱، ترجمه ایرج نوبخت، تهران، کیهان.
۹. ....، ۱۳۷۹، تاریخ عثمانی، جلد ۲، ترجمه ایرج نوبخت، تهران، کیهان.
۱۰. اینالچق، خلیل، ۱۳۹۴، امپراتوری عثمانی عصر متقدم ۱۳۰۰-۱۶۰۰، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران، بصیرت.
۱۱. پاشازاده، عاشق، ۱۳۳۲ق.، تواریخ آل عثمان، استانبول، مطبوعه عامره.
۱۲. تاره، مسعود، ۱۳۷۸، تصوف، ذیل سده‌های ۶-۷ ق / ۱۲-۱۳ م و آسیای صغیر و بالکان، (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۵، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی)، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۳. ثریا، محمد، ۱۳۱۶ق.، سجل عثمانی (تذکره مشاهیر عثمانیه)، جلد ۴، استانبول.
۱۴. جمالی‌فر، مهدی، ۱۳۹۱، مقدمه‌ای بر شناخت جامعه علویان ترکیه (از پیدایش تا ۲۰۰۹ م.)، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
۱۵. حاکمی، اسماعیل، ۱۳۸۲، آیین فتوت و جوانمردی، تهران، اساطیر.



۱۶. دورسون، داود، ۱۳۸۱، دین و سیاست در دولت عثمانی، ترجمه منصوره حسینی و داود وفائی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. دیانت، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، اخی، (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۷، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی)، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۸. ربانی، زهرا، ۱۳۹۱، فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۹. رضوی، مسعود، ۱۳۹۵، تاریخ و فرهنگ جوانمردی، تهران، اطلاعات.
۲۰. ریاض، محمد، ۱۳۸۲، فتوت‌نامه، تاریخ، آیین، آداب و رسوم، تهران، اساطیر.
۲۱. زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۷، جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر.
۲۲. سامی، شمس‌الدین، ۱۳۰۶ق.، قاموس الاعلام، جلد ۲، استانبول، مطبعه مهران.
۲۳. ....، قاموس الاعلام، ۱۳۰۸ق.، جلد ۳، استانبول، مطبعه مهران.
۲۴. ....، قاموس الاعلام، ۱۳۱۱ق.، جلد ۴، استانبول، مطبعه مهران.
۲۵. شاو، استانفورد جی، ۱۳۷۰، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، جلد ۱، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد، آستان قدس رضوی.
۲۶. شکر، محمد، ۱۳۸۵، سلجوقیان، ترجمه نصرالله صالحی و علی ارطغرل، قم، انتشارات ادیان.
۲۷. فرهانی منفرد، مهدی، ۱۳۷۷، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، تهران، امیرکبیر.
۲۸. طاشکبری‌زاده، عصام‌الدین احمد، ۱۳۸۹، الشقائق النعمانیة فی علماءالدوله العثمانیة، تصحیح و تحقیق: سیدمحمد طباطبائی بهبهانی (منصور)، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۹. عربخانی، رسول، ۱۳۹۴، تاریخ عثمانی و خاورمیانه، تهران، دانشگاه پیام نور.
۳۰. کرین، هانری، ۱۳۸۳، آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، تهران، سخن.
۳۱. کوپرلی، محمدفؤاد، ۱۳۸۵، صوفیان نخستین در ادبیات ترک، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۲. کیانی (میرا)، محسن، ۱۳۶۹، تاریخ خانقاه در ایران، تهران، کتابخانه طهوری.
۳۳. کین‌راس، لرد، ۱۳۷۳، قرون عثمانی (ظهور و سقوط امپراتوری عثمانی)، ترجمه پروانه ستاری، تهران، کهکشان.
۳۴. گولپینارلی، عبدالباقی، ۱۳۷۹، فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران، روزنه.
۳۵. ....، ۱۳۸۶، مولویه پس از مولانا، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران، نشر علم.
۳۶. ....، ۱۳۷۸، ملامت و ملامتیان، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران، روزنه.
۳۷. لونیس، برنارد، ۱۳۵۰، استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۸. مبلغی آبادانی، عبدالله، ۱۳۷۶، تاریخ صوفی و صوفیگری، تهران، حرّ.
۳۹. محمدی وایقانی، کاظم، ۱۳۸۴، مکتب عرفانی تبریز، تبریز، ستوده.

۴۰. مخبر دزفولی، فهیمه، ۱۳۸۹، پیدایش طریقت علوی-بکتاشی در آناتولی، تهران، علمی-فرهنگی.
۴۱. منجم‌باشی (احمدده)، احمد بن لطف‌الله، ۱۳۹۳، تاریخ منجم‌باشی یا صحایف‌الخبار فی وقایع‌الآثار (از تشکیل دولت عثمانی تا پایان سلطنت سلیمان‌خان قانونی)، ترجمه نصرت-الله ضیایی، تهران، مهراندیش.
۴۲. نفیسی، سعید، ۱۳۴۶، سرچشمه تصوف در ایران، تهران، کتابفروشی فروغی.
۴۳. نیرومند، کریم، ۱۳۶۴، تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن، زنجان، کتابفروشی ستاره.
۴۴. هامرپورگشتال، یوزف، ۱۳۶۷، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی آبادی، به کوشش جمشید کیانفر، تهران، زرین.
۴۵. هولت، پی. ام و آن. ک. س. لمبتون، ۱۳۸۸، تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر.

46. Akdag, M, 1977, Turkiyenin iktisadi ve ictimai tarihi, cilt 1 ve 2, Istanbul.

47. Azamat, Nihat, 1995, Evhaduddin-I Kirmani, Turkiye Diynet Vakfi Islam Ansiklopedisi (DIA), c.XI, Istanbul, Turkiye Diynet Vakfi.

48. Babinger, Koprulu, 1996, Anadolu da Islamiyat, Istanbul.

49. Barkan, o. Lutfi, 1942, Kolanizator Turk Dervisleri, Vakiflar Dergisi, c.II, Ankara.

50. Bayram, Mikail, 1991, Ahi Evren ve Ahi Teshkilatinin Kurulusu, Konya.

51. Cagatay, Neset, 1989, Bir turk kurumu Olan Ahilik, Ankara.

52. ...., 1981, Bir turk kurumu Olan Ahilik, Konya, Selcuk Universitesi Basimevi.

53. Demirpolat, Anzavur, Gursoy Akca, 2004, ahilik ve Turk Sosyo-Kulturel Hayatina Katkileri, Selcuk Universitesi Turkiyat Arastirma Dergisi 15.

54. Ecer Ferhat-Yildirim Arif, 1988, Ahi Birlikleri ve Belge, Ata.Uni.Ikt. ve Id.Bil.Fak, Isletme Dergisi, c.VIII, Erzurum.

55. Eflaki, Ahmed, 1989, Ariflerin Menkibeleri, I-II, cev. T.Yazici, 2.baski, Ankara.

56. Ekinci, Yusuf, 1991, Ahilik ve Esnaf Ahlaki, Standart Dergisi, sayi: 351.

57. ...., 1990, Ahilik ve Meslek Egitimi, Ankara: Mili Egtim Bakanligi Yayinlari.

58. Ergin, O. Nuri, 1922, Mecelle-I Umur-I Belediye, c.I, Istanbul.

59. Gordlevski, 1988, Anadolu Selcuklu Devleti, Ankara.
60. Hoca Sadeddin Efendi, 1974, Tacut-Tevavil, cilt 1, sadeiestiven, Ismet Parmaksizoglu, Istanbul, Basbakanlik Kutltur Mustesarligi Yayinlari.
61. Gunduz, Irfan, 1984, Osmanlilarda devlet ve Telke munasebetleri, ist, Seha nes.
62. Inalcik, Halil, 1999, Ahilik, Toplum, Devlet, II. Uluslararası Ahilik Kulturu Sempozyumu Bildirileri, Ankara, Kultur Bakanligi Yayinlari.
63. ...., 1999, Osmanli Devletinin Kurulusu Problemi, Dogu Bati, sayi 7, Ankara.
64. Kayaoglu, Ismet, 1981, Halife en-Nasirin Futuvvete Girisi ve Bir Futuvvet Buyrultusu, AU Ilahiyat Fak. Dergisi, c.XXV, Ankara.
65. Koprulu, M. Fuad, 1993, Osmanli Devletinin Kurulusu, 4.baski, Ankara.
66. Nesri, Mehmed, 1987, Kitab-I Cihannuma, c.I, nsr. F.R.Unat-M.A. Koymen, 2.baski, Ankara.
67. Ozbey, C. Cemal, 1984, Bir Ahi Secerenamesi, XX, Ahilik Bayrami Kongre ve Tebligleri, Kirsehir.
68. Ozkose, Kadir, 2011, Ahilikte Ahlak ve Meslek Egitimi, Cumhuriyet Universitesi Ilahiyat Fakultesi Dergisi XVI2.
69. Pakalin, M. Z., 1983, Osmanli tarih deyimleri ve terimleri sozlugu, c.I, Istanbul.
70. Tekin, Mustafa, 2006, Bir Sosyal Kontrol Araci Olarak Ahilik ve Toplumsal Dinamikleri, Selcuk Universitesi Ilahiyat Fakultesi Dergisi 21.
71. Tezcan, Mahmut, 1989, Sosyal Degisme Sureginde Cankiri Yaran Sohbetleri, Kulturel Antroplojik Yaklasim, Ankara.
72. Togan, Z. Velidi, 1971, Umumi Turk Tarihine Giris, 3.baski, Istanbul.
73. Yucel, Yasar, 1991, Anadolu Beylikleri Hakkinda Arastirmalar, Ankara, Turk Tarih Kurumu Yayinlari.
74. Vilayetname Manakib-I Haci Bektas-I Veli, 1990, nsr.A. Golpinarli, Istanbul.

## **Abstract**

Akhigiri was one of the most influential institutions in the history of the Ottoman Empire, rooted in the principles of fatwa and operating on Sufi traditions. After the founding of the Ottoman Empire, the Ottomans expanded greatly, especially in the early Ottoman period, in Anatolia, and gained a prominent place among the guilds and played a significant role in the political and social developments of the Ottoman period. The fundamental aim of the present study is to examine how the Ottoman period formed and expanded its political, social, cultural and religious approaches and activities, as well as their relation to the guild classes. Research Method In this study, descriptive-analytical method and data collection method are also libraries.

The results of this study show that since the establishment of the Ottoman government there has been a relationship between this government and the Ahliyyah organization, and large tribes such as Sheikh Adbali, Akhy Hassan, Akhy Ya'qub, and Multi Lahr have influenced the Ottoman government and corporation. During the wars he provided valuable services to the Ottoman government and supported the Ottoman rulers in the Achaia. With the expansion of the religious establishment, the doctrines and beliefs spread throughout the Ottoman Empire. But with the rise of the central power of the Ottoman government, the emergence of the Janissary Corps, and the strengthening of the Bektashi regime, the political and military position of the Achaeans weakened and declined.

**Keywords:** Ashkhari, Ottoman, Fatwa, Sufism, guilds, political, social